



دانشگاه الزهراء (س)

دانشکده ادبیات، زبانها و تاریخ

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عرب

عنوان

زن در لزومیات معری

استاد راهنما

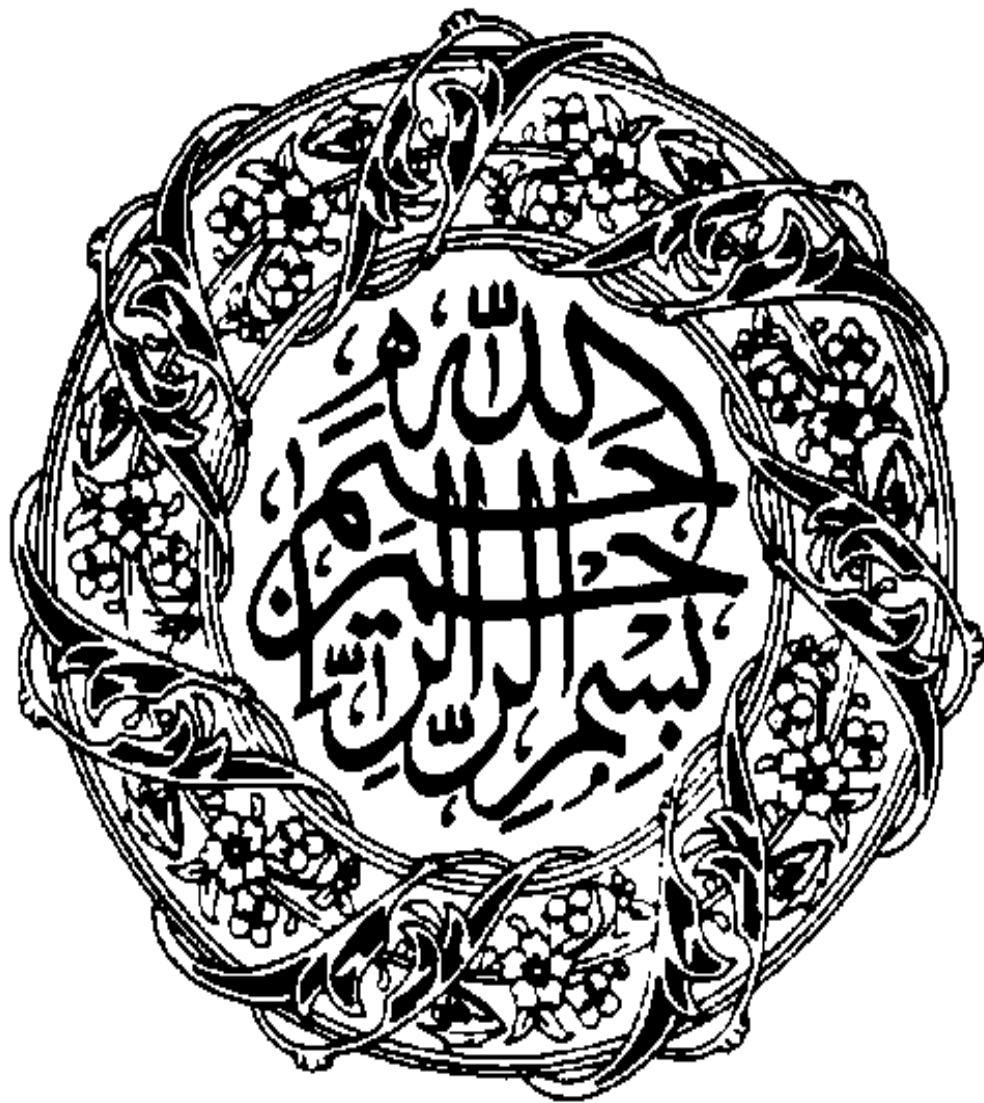
دکتر علی گنجیان خناری

دانشجو

زهرا بافقی

مهر 1389

کلیه دستاوردهای ناشی از تحقیق حاضر متعلق
به دانشگاه الزهراء (س) می باشد.





دانشگاه الزهراء (س)

دانشکده ادبیات، زبانها و تاریخ

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عرب

عنوان

زن در لزومیات معری

استاد راهنما

دکتر علی گنجیان خناری

استاد مشاور

دکتر مجید صالح بک

دانشجو

زهرا بافقی

مهر 1389

تقدیم به استادم :

جناب آقای دکتر مسلم زمانی

که با رفتار خویش به من آموخت ، خوب باشم آن هنگام
که به من بدی می کنند و برای رضای خدا گام بردارم ،
گرچه اسباب نارضایتی مخلوق را فراهم کنم .

تقدیم به پاس تمام زحمات پدران و بی دریغ او .

زهرا بافقی

سپاس و قدر دانی

الان که پژوهش خود را به پایان رساندم ، جای دارد از تمام کسانی که مرا در این کار یاری نموده اند ، تشکر کنم .

لذا اولاً از جناب آقای دکتر علی گنجیان خناری استاد راهنما ؛ جناب آقای دکتر مجید صالح بک استاد مشاورم نهایت تشکر را دارم .

ثانیاً از تمامی استادانم در دانشگاه الزهراء (س) به ویژه سرکار خانم دکتر خزعلی ریاست محترم دانشکده ادبیات و سرکار خانم دکتر مشکین فام مدیریت محترم گروه ادبیات عرب ؛ قدر دانی می نمایم .

در مرحله بعد ، از سرکار خانم دکتر مهرانه موسوی روان شناس ، به خاطر تمام ارشاداتشان در مسیر انجام پژوهشیم ، تقدیر و تشکر می کنم .

و در نهایت از تمامی کسانی که مشوق من بودند و به هر نحوی مرا یاری کردند ، ممنون هستم و از درگاه خداوند منان برای همگی توفیق روز افزون مسئلت دارم .

و الشکر لله أولاً و أخيراً

چکیده

در این پژوهش که تحت عنوان « زن در لزومیات معری » می باشد سعی شده است ضمن مطالعه دوران زندگی شاعر از جهات مختلف سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی و با بهره برداری از روشهای نقدی نوین یعنی نقد روانشناختی ، اجتماعی و تاریخی به بررسی اشعار معری در مورد زنان پرداخته شود تا بدینوسیله به هدف پژوهش که پی بردن به انگیزه و چرایی گویش این اشعار است ، نائل آئیم .

کلمات اساسی : معری ؛ نقد روانشناختی ؛ نقد اجتماعی ، نقد تاریخی ؛ زن .

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|---|--------------------------------------|
| ج | تقدیم |
| د | سپاس |
| ه | چکیده |
| 1 | مقدمه |
| فصل اول : زندگی فردی و ادبی أبوالعلاء معری | |
| 8 | مبحث اول : زندگی فردی |
| 8 | 1- نام ، کنیه و لقب |
| 10 | 2- زمان ولادت |
| 11 | 3- معره النعمان |
| 12 | 4- خانواده |
| 13 | 5- بیماری و نابینائی |
| 15 | 6- وفات پدر |
| 17 | 7- سفر به بغداد |
| 19 | 8- زندگی در بغداد |
| 24 | 9- بازگشت به معره النعمان و دلایل آن |
| 26 | 10- رحلت مادر |

| | |
|----|---|
| 28 | 11- گوشه نشینی و زهد |
| 31 | 12- رحلت |
| 33 | مبحث دوم : زندگی علمی و ادبی |
| 33 | 1- استادان و کتاب |
| 34 | 2- اعتقادات |
| 35 | 3- تحركات علمی و ادبی |
| 37 | 4- شاگردان او |
| 37 | 5- تألیفات |
| 38 | 6- لزوم ما لا یلزم یا لزومیات |
| | فصل دوم : ویژگیهای دوران أبو العلاء معری |
| 42 | مبحث اول : شرایط سیاسی در عصر معری |
| 50 | مبحث دوم : شرایط اقتصادی در عصر معری |
| 53 | مبحث سوم : شرایط اجتماعی در عصر معری |
| 56 | مبحث چهارم : شرایط فرهنگی و ادبی در عصر معری |
| | فصل سوم : نگرش به جنس مونث در تاریخ عرب |
| 60 | مبحث اول : عصر جاهلی |
| 67 | مبحث دوم : عصر اسلامی |
| 74 | مبحث سوم : عصر اموی |

| | |
|-----|--|
| 78 | مبحث چهارم : عصر عباسی |
| 79 | 1- عرب ها |
| 81 | 2- ایرانیان |
| 82 | 3- هندی ها |
| 83 | 4- غربیان |
| | فصل چهارم : نگاهی بر گرایشهای نقدی نوین |
| 87 | مبحث اول : آشنایی با نقد روانشناختی |
| 87 | 1- چگونگی پیدایش |
| 88 | 2- نظریات فروید |
| 91 | 3- نظریات آدلر |
| 91 | 4- نظریات یونگ |
| 92 | 5- نقد روانشناختی در ادبیات عرب |
| 94 | مبحث دوم : آشنایی با نقد جامعه شناختی |
| 99 | مبحث سوم : آشنایی با نقد تاریخی |
| 101 | مبحث چهارم : آشنایی با نقد فیمنیستی |
| | فصل پنجم : زن در شعر معری از دیدگاه مکاتب نوین نقدی |
| 105 | مبحث اول : زن |
| 105 | 1- مراقبت از زنان و رعایت حال آنان |

| | |
|-----|--|
| 117 | 2- ماندن در خانه و آموزش بافندگی به آنان |
| 127 | 3- دوری از اجتماعات |
| 131 | 4- ترک عطر و زینت |
| 135 | 5- دوری از زنان پلید و گمراه کننده |
| 141 | 6- زنان شریف |
| 143 | مبحث دوم : ازدواج |
| 143 | 1- رنج ها و سختی ها |
| 148 | 2- انتخاب همسر |
| 154 | 3- تعدد زوجات و عدل بین همسران |
| 160 | مبحث سوم : خانواده و نسل |
| 160 | 1- تفضیل عقیم بودن |
| 164 | 2- جنایت بر بشریت |
| 168 | مبحث چهارم : نقد تجربی و عملی اشعار |
| 168 | 1- نقد روانشناختی اشعار |
| 174 | 2- نقد اجتماعی اشعار |
| 176 | 3- نقد تاریخی اشعار |
| 179 | خاتمه |
| 180 | فهرست منابع |

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم . و صلى الله على محمد و آله الطاهرين .

این پژوهش با عنوان « زن در لزومیات معری » شامل پنج فصل می باشد . در

فصل اول زندگی فردی و علمی أبو العلاء معری طی دو مبحث جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است . بررسی ابعاد مختلف و حوادث برجسته زندگی فردی و ادبی أبو العلاء معری برای شناخت هر چه بیشتر آثار وی ضروری به نظر می رسد. چرا که به قول سید قطب نمی توان بدون اینکه شخصیت و ویژگی های فردی، خالق یک اثر را کنکاش کرد، به بررسی اثر او پرداخت و اگر این مسأله در نقد اثری مورد غفلت قرار گیرد، قطعاً با نتیجه ای ناقص و غیرقابل استناد مواجه خواهیم بود.^۱ در واقع این اطلاعات مقدمات این پژوهش برای نقد روانشناختی خواهد بود.

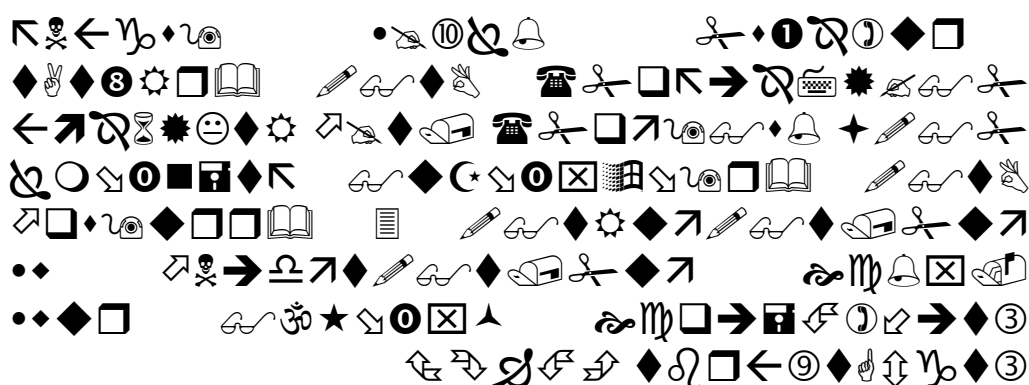
در فصل دوم راجع به ویژگی های دوران زندگی أبو العلاء از چهار منظر مختلف

سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی و ادبی بحث شده است . انسان هنگامی که متولد می شود، در انتخاب دو مسأله هیچ دخالتی ندارد. یکی زمان و دیگری مکان . این دو مسأله در شکل گیری شخصیت و روحیات هر فردی تأثیر فراوان دارند. أبو العلاء معری نیز از این قانون مستثنی نبوده و در زمان حیات خود تحت تأثیر شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دوران خود بوده است. قطعاً این شرایط در آثار معری

^۱ - سید قطب: کتب و شخصیات، ص 6.

تجلی پیدا می‌کند و هیچ غریب نیست اگر بگوئیم، آثار و افکار وی به شکل کنونی نبود اگر معری در زمان و مکان دیگری متولد می‌شد.

فصل سوم پژوهش، به دیدگاه‌های مختلف راجع به جنس مونث در طول تاریخ عرب (تا عصر معری) اختصاص دارد. بسیاری از ملل، ارزش‌ها و آداب و رسوم ملی و مذهبی خود را از نیاکان و درگذشتگان خود، در قرون قبل دریافت کرده‌اند. چرا که معمولاً رسم بر این است که پدران آموخته‌های خود را سینه به سینه به فرزندان و آیندگان بسپارند. حتی این سخن در مورد انتقال دین از نسلی به نسل دیگر هم صدق می‌کند. چنانچه خداوند متعال در سوره بقره فرموده است:



گاهی در اثر تحولات اجتماعی و مذهبی برخی از این آموزه‌ها دستخوش تغییرات

می‌شود. اما به هر حال می‌توان در سنن و نگرش‌های موجود در جامعه هر روز، ردپایی از گذشتگان یافت. لذا برای بررسی بهتر آنچه امروز در جامعه‌ای دیده می‌شود، باید به روند تاریخی آن نیز توجه شود؛ تا در نهایت به بن‌مایه و اساس تفکرات ملت‌ها، تغییرات در آداب و علل آن به خوبی دست یافت.

در قسمت بعدی با چهار گرایش نقدی روانشناختی، اجتماعی، تاریخی و فمینیستی

از مجموعه گرایش‌های نقد ادبی آشنا می‌شویم. نقد در مفهوم اصطلاحی آن به معنای

بحث منطقی و متفکرانه و مبتنی بر استدلال آثار ادبی است، یعنی فعالیتی است که شامل دفاع از ادبیات، طبقه‌بندی آثار، تفسیر معانی موجود در ادبیات، تجلیل ساختار و سبک آثار، داوری در مورد ارزش ادبی آن‌ها، تعیین معیار تأثیرگذاری و تخمین میزان آن، شناخت سبک بیان و اندیشه و احساس نویسنده می‌شود.^۱

نقد ادبی انواع مختلفی دارد. در یک تقسیم بندی آن را به دو دسته نظری و کاربردی تفکیک می‌کنند. نقد نظری همانطور که از ظاهر کلمه اش پیداست، فقط به بیان قواعد و فنون آثار ادبی و معیارهای نقد آن می‌پردازد. در حالی که نقد کاربردی یا تجربی شامل تجربه‌هایی عملی که در طی آن یک اثر از نویسنده ای مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است.^۲

نقد ادبی شامل گرایش‌های مختلفی نیز می‌باشد.^۳ از جمله: نقد فنی یا تکنیکی، نقد روانشناختی، نقد اجتماعی مانند تاریخی و نقد فمینیستی و ... برخی از این گرایش‌ها از قدیم در ادبیات وجود داشته است مثل نقد فنی یا تکنیکی، که در طی آن یک اثر ادبی از لحاظ فنی یعنی اسلوب، معنا، لفظ، عاطفه و موسیقی و ... مورد کنکاش قرار می‌گیرد و هدف از آن صرفاً ارزشیابی یک اثر، تخمین قدرت صاحب اثر بر خلق آن یا لذت و تمتع ادبی است. اما بعضی دیگر از گرایش‌ها اخیراً مورد توجه قرار گرفتند که در طی آن همانطور که اثر مورد بررسی قرار می‌گیرد، خالق اثر نیز از جهات مختلف نقد و ارزیابی می‌شود.

^۱ - محمد مندور: الفقه المنهجي عند العرب، صص 56-50.

^۲ - سیروس شمیسا: نقد ادبی، ص 32.

^۳ - برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: سید قطب: النقد الأدبی، اصوله و مناهجه؛ احمد کمال زکی: النقد الأدبی الحديث.

در نهایت در فصل پایانی ضمن طرح نمونه های فراوانی از اشعار معری در موضوعات مختلف راجع به زن از کتاب لزومیات، آنها را از دیدگاه مکاتب نوین نقدی مورد کنکاش قرار می دهیم تا انگیزه سرایش اشعار و در حقیقت علت این افکار را دریابیم . معری پس از تکمیل شخصیت علمی خود دیوان لزومیات را سرود. وی در این دیوان اشعار نسبتاً زیادی در خصوص زن و موضوعات مرتبط با وی دارد. با مطالعه این اشعار چگونگی افکار و عقاید معری در مورد زنان آشکار می شود، اما با بکارگیری سه شیوه نوین نقدی یعنی نقد روانشناختی، اجتماعی و تاریخی، می توان به چرائی این افکار دست یافت.

پژوهشهایی که در خصوص زندگی ، آثار و اشعار معری انجام شده است ؛ بسیار فراوان می باشد . اما با این وجود، هیچ کتابی دقیقاً با عنوان این پژوهش یافت نشد . ولی طه حسین در کتاب « تجدید ذکری اُبی العلاء المعری » در طی سه عنوان فرعی مرتبط با موضوع زنان چند نمونه از اشعار معری را آورده و افکار موجود در آنها را شرح داده است و یکی دو مورد از آنها را از دیدگاه نقد تاریخی بررسی کرده است تا به منبع این افکار دست پیدا کند . مثلاً دکتر طه حسین علت عدم تمایل معری برای ازدیاد نسل بشر را در اثر آشنائی او با تمدن هند باستان می داند .^۱ لازم به ذکر است که پژوهشی با عنوان "النقد الإجتماعی فی لزومیات اُبی العلاء المعری " که توسط میسون محمود فخری العبهری ، در دانشگاه فلسطین دفاع شده ، ناظر بر تاثیر اجتماع بر اشعار شاعر است . نویسنده با ذکر نمونه هایی از اشعار معری، وی را منتقدی معرفی می کند که ه دفی جز اصلاح جامعه نداشته است . اما کتب و پژوهشهای دیگری که در این زمینه

1- طه حسین : تجدید ذکری اُبی العلاء المعری ، ص 181 .

مشاهده کردم ، صرفاً تکرار گفته های دکتر طه حسین بوده و چیز دیگری بر آن افزوده نشده و البته در بسیاری از آنها منبع کلام نیز نیامده است .

با بررسی جوانب مختلف زندگی شاعر و تاثیر آن در شعر او می توان به چرایی پندار و گفتار وی پی برد و نیز تناقضات احتمالی موجود در آن را بررسی کرد . تحلیل و بررسی علت این گونه اندیشیدن ، مهمترین هدف این پژوهش بوده و با توجه به این که تا کنون فقط به ذکر چگونگی افکار معری در مورد زن پرداخته شده است و نه به چرایی و انگیزه های روانی و اجتماعی آن ، از این رو انجام چنین پژوهشی به نظر لازم و سود مند است .

شیوه این پژوهش تلفیقی (تکاملی) است ، یعنی بر گرفته از شیوه توصیفی و تحلیلی و با استفاده از روش کتابخانه ای و نیز با استفاده از ابزار فیش برداری می باشد . روش تحلیل اشعار معری با بهره گیری از روش روانشناختی و اجتماعی و تاریخی است و قصد دارد به واسطه این روش های نقدی به بررسی تاثیر عناصر باطنی و نا خود آگاه شاعر ، در عمل ادبی او و نیز تاثیر محیط زندگی شاعر در شعر او و تاثیر آراء و افکار گذشتگان در اثر او ، بپردازد . یاد آور می شود سه روش فوق از زیر مجموعه روش های نقد ادبی است که با استفاده از آن به تحلیل قضایای تاریخ ادبیات و نیز بررسی متون نظم و نثر، پرداخته می شود .

فرضیاتی که به جهت اثبات یا رد آنها انجام این پژوهش را بر خود فرض دانستم به شرح ذیل می باشد :

1 - نظرات بد بینانه وی در مورد زنان در واقع ریشه در مسائل و مشکلات درونی و فردی شاعر ، به ویژه نابینائی او دارد .

2 - شعر او در مورد زنان آینه تمام نمای واقعیت های اجتماعی و کشمکشها و تیره گی های موجود در آن دوره و فساد محیط خصوصا در ارتباط با زنان است .

3 - یکی از کسانی که معری تحت تاثیر نظرات و افکار او بوده ، متنبی است . عدم توجه متنبی به زن بن مایه و اساس تفکر ابو العلاء را ایجاد کرده است .

لازم به توضیح است که ضمن به خدمت گیری روش های نقدی مورد استفاده

در پایان نامه برخی از فرضیات فوق الذکر اثبات و برخی دیگر تصحیح شد .

« و فوق کل ذی علم علیم »

فصل اول: زندگی شخصی و ادبی أوالعلاء معری

مبحث اول : زندگی شخصی

مبحث دوم : زندگی علمی و ادبی

مبحث اول: زندگی فردی

1- نام، کنیه و لقب

ابن خلکان در کتاب خویش وی را اینچنین معرفی می کند: «او أبوالعلاء أحمد بن عبدالله بن سلیمان بن محمد بن سلیمان بن أحمد بن سلیمان بن داود بن مطهر بن زیاد بن ربیعہ بن أنور بن اسحاق بن أرقم بن عدی بن غطفان بن عمرو بن بريح بن جذیمه بن تیم الله بن أسد بن و به بن تلعب بن حلوان بن عمران بن حاف بن قضاعه تنوخی معری می باشد.»^۶

پدر بعد از ولادتش نام وی را احمد و کنیه اش را أبوالعلاء گذاشت. این عادت مردم آن روزگار بوده که از همان کودکی یا حتی قبل از به دنیا آمدن کودک برایش کنیه انتخاب می کردند. شاعر ما در این مورد می فرماید:

من عثرة القوم أن کتوا ولیدَهُم أبا فلان ولم يُنسل ولا بلغا^۷

در این بیت همچنانکه مشاهده می کنید، معری اشتباه مردم را به رخ آنان می کشد و متعجب است از اینکه، فرزندی که هنوز به دنیا نیامده و آمادگی ازدواج نیافته است، چگونه أبوفلان نامیده می شود.

بر طبق آنچه از بیت ذیل برداشت می شود، معری نام خود را، مناسب نمی دانسته و خودش را مستحق نکوهش می داند نه حمد و ستایش.

^۶ - ابن خلکان: وفیات الأعیان و أنباء أبناء الزمان، ج 1، ص 113.

^۷ - المعری: لزومیات، ج 2، ص 45.

و أحمد سماني كبيري و قلمنا فعلت سوی ما أستحق به الذم^۸

همچنین وی در خصوص انتخاب کینه‌اش (أبو العلاء)، ناخرسند بوده و می‌گوید:

دُعيت أبو العلاء و ذاك مَينٌ ولگن الصحيح أبو النزول^۹

شاعر صفت بزرگی و بلن مرتبه‌ای را مخصوص خود ندانسته و خویشتن را شایسته

کینه أبو النزول می‌داند.

عبدالعزیز میمنی می‌گوید برخی از معاصران کینه او را با الف مقصوره (أبو العلی) ذکر

کرده‌اند مثل أبو الحسن النکتی البصری که از ملازمان اساتید معری بود.^{۱۰}

أبو الحسن در شعر و نثر خود، نام معری را محمد و کینه اش را أبو العلی می‌آورد و

نمونه‌ای از نظم و نثر خود را برای معری ارسال می‌کند. شاعر ما نیز این فعل أبو الحسن

را تعمّدی و برای تحقیر خود می‌داند و می‌گوید: اگر تعمّدی در کار نبوده باید این تغییر

نام و کنیه فقط در شعر دیده می‌شد، در حالی که أبو الحسن هم در شعر و هم در نثر به

این تغییر دست زده بود.^{۱۱}

گذشتگان برای معری لقبی را ذکر نکرده‌اند، گویی که در عصر وی بیشتر به کنیه

اهمیت داده می‌شد. اما شاعر، در مقدمه لزومیات لقب "رهین المحبسین" را برای خود

برمی‌گزیند.^{۱۲} واضح است که این لقب بعد از بازگشت معری از بغداد و عزلت گزیدن در

^۸ - همان، ص 307.

^۹ - همان، ص 236.

^{۱۰} - عبدالعزیز المیمنی: أبو العلاء و ما إليه، ص 24.

^{۱۱} - محمد سلیم الجندی: الجامع فی أخبار أبي العلاء و آثاره، ج 1، ص 50.

^{۱۲} - المعری: لزومیات، ج 1، ص 15.